

## الهام خواستن میراث مردمی در اشعار ایرج میرزا

مکی عبدالرزاق<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> عضو هیات علمی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان، دانشگاه بغداد

### چکیده

در این پژوهش اشعار ایرج میرزا از منظر بینامتنیت ژنت و وجود میراث مردمی مورد بررسی قرار گرفت. ایرج میرزا شاعری از تبار قاجار است که مدتی نیز شاعر دربار بوده و مدحیاتی در وصف اشخاص و بزرگان دینی و قاجاری داشته است. اشعاری که برای این منظور بررسی شد عبارت‌اند از منظومه زهره و منوچهر و چند نمونه از مدحیات ایشان. در واقع می‌توان اشعار میرزا را به اشعار مدحی و اشعار متاخر تقسیم کرد، چون در اشعار مدحی سخن از میراث مردمی کمتر به چشم می‌خورد و بیشتر ذکر اشخاص درباری و دولتی است. اما در اشعار متاخر، مخصوصاً در شعر بلند زهره و و منوچهر علاوه بر استناد به میراث مردمی بینامتن‌هایی استفاده کرده است که بیشتر آنها متوجه مردم است تا درباریان. بنابراین، ایرج میرزا در اشعار متاخر خود که برای مردم سروده از مسائل روزمره و ذکر دلدادگی و عشق سخن گفته است، در حالی که در مدحیات خود همانند یک روحانی به ذکر و مدحیات از بزرگان دین یا گاهی انسان‌های صالح روزگار خود پرداخته است.

**واژه‌های کلیدی:** بینامتنیت، اقتباس، الهام خواستن، میراث مردمی، تلمیح

## مقدمه:

ایرج میرزا (۱۲۵۱)، ملقب به جلال‌الممالک، شاعر و منتقد برجسته عصر قاجار و دوران مشروطه است. وی از نوادگان فتح‌علی‌شاه قاجار و فرزند صدرالشعرا غلامحسین میرزا، از شعرای دوران قاجار، است که در دارالفنون تبریز تحصیل کرد و به زبان‌های عربی، فرانسه، و ترکی نیز تسلط یافت. (آرین‌پور، ۱۳۵۰: ۳۸۹) یوسفی (۱۳۶۶) اظهار می‌کند که این شاهزاده قاجار در محافل رسمی و ادبی بسیار مبادی آداب بود، اما برخلاف مسلک درباریان، با مردم عامی دم‌خور و دمساز بود تا جایی که بسیاری از ابیات هجوی و طنز او هم‌تراز با لحن کوچه‌بازاری و حاوی الفاظ زشت بود چنان که در لایه‌های مختلف اجتماعی نام ایرج میرزا ذکر زبان خاص و عام بود.

آثار و اشعار ایرج میرزا مشتمل است بر غزلیات، قصاید، قطعات و چند مثنوی که از مهمترین آنها می‌توان به مثنوی زهره و منوچهر و مثنوی عارف‌نامه اشاره کرد. ایرج میرزا را باید شاعری سیاسی اجتماعی نامید چون محتوای بیشتر اشعار او انتقاد سیاسی، مذهبی و اجتماعی است. در مثنوی عارف‌نامه که در هجو عارف قزوینی سروده شده است نگاهی فمینیستی موج می‌زند چون در این مثنوی به صراحت مخالفت خود با حجاب و خانه‌نشینی زنان را نشان می‌دهد. همچنین در این شعر بلند از رواج فرهنگ‌های پست در جامعه مانند کودک‌آزاری و همجنس‌بازی براعت می‌جوید. علاوه بر نقد صریح اجتماعی و سیاسی، می‌توان مضامین قرآنی و زبانی متعددی در اشعار او برشمرد که نشانه‌اشنایی با فرهنگ‌های گوناگون ایشان است، آن هم در جامعه بسته عهد قاجار که ارتباط با دنیا بسیار محدود و منحصر به طبقه حاکم بود.

اگرچه ایرج میرزا را با عنوان شاهزاده قاجار می‌شناسند، آشنایی ایشان با سطحی‌ترین فرهنگ‌های اجتماعی نشان از آگاهی عمیق او با مردمان عهد خود دارد. همچنین مطالعه زبان عربی و فرانسه این فرصت را به او داد تا با ادبیات غرب و ادبیات عرب آشنایی داشته باشد و در اشعار خود از آنها اقتباس کند.

استفاده از مضامین قرآنی و عربی و همچنین سلاست سبک و آرای وی باعث شده که زبان وی "از حیث نرمی و روانی و سهل و ممتنع بودن" به شعر سعدی پهلوی بزند (یوسفی، ۱۳۶۹: ۳۵۸). اشعار و نوشته‌های ایرج را می‌توان به دو بخش کلی تقسیم کرد: بخشی که پیش از مشروطه است و عملاً در تمجید از رجال و بزرگان قاجار است (رودگر، ۱۳۸۹) و بخش دیگر که شامل اشعار و نوشته‌های او پس از مشروطه است به نقد اجتماعی می‌پردازد (محبوب ۱۳۴۲).

سبزیان‌پور (۱۳۸۷) در بررسی مضامین شعر و ادب عربی در دیوان ایرج میرزا مضامین و مفاهیم عربی پیدا و پنهان اشعار او را برمی‌شمارد. تعداد زیادی آیات و احادیث و واژه‌های قرآنی و عربی در شعر ایرج موجود است که نشان می‌دهد ایرج میرزا متأثر از زبان عربی و قرآن بوده است. همچنین اشاره به نام شاعران و ادیبان عرب مانند ابن خلکان و کسایی در شعر او نشان از آشنایی شاعر با شاعران عربی زبان است. الهام از قضاید عربی مانند "وقوف بر اطلال و دمن" از آن جمله است. سبزیان‌پور در

ادامه توضیح می‌دهد که استفاده از اصطلاحات صرفی و نحوی مانند عطف بیان و تاکید و جزم بیانگر تمایل ایرج به زبان و ادبیات عرب است. بنابراین، در شعر ایرج میرزا می‌توان مثال‌های عربی و قرآنی زیادی را پیدا کرد که نشان از بهره‌گیری شاعر از "حکمت‌های عربی یا از ایران باستان است که به ادب عربی منتقل شده و یا لاقلاً نظیر آنها در فرهنگ باستانی ایرانیان وجود داشته است" (۱۳۸۷: ۱۸۸).

رزاق‌پور و نوش‌آبادی (۱۳۹۱) ضمن بررسی جنبه‌های رئالیستی اشعار ایرج میرزا مضامینی را در اشعار ایشان معرفی کردند که با استمداد از تلمیحات و اشارات بینامتنی به کشف و بیان واقعیت‌های اجتماعی پرداخته است. آنها مفاهیمی چون پرهیز از تخیل و الهام درونی، توجه به مسائل اجتماعی، انتقاد از حاکمان و دولتمردان، انتقاد از نابسامانی‌های جامعه، توجه مسائل زنان، مبارزه با جهل و خرافات و توجه به علم دانش، فقر و اختلاف طبقاتی، انتقاد از رباکاران، و خفقان و عدم آزادی بیان را با ذکر جزئیات و نمونه‌ها بررسی کرده‌اند. در این مقاله بیان شده که نه تنها ذکر نام‌ها و اشاره به تاریخ سطحی و بدون عمق و آگاهی است، بلکه "با این سطحی‌نگری فقط دردهای جامعه را بازتاب می‌دهد، بدون اینکه راهکاری ارائه دهد و در رفع معضلات بکوشد" (۱۳۹۱: ۱۴۳).

به نظر می‌رسد در اشعار ایرج میرزا تضمین و اقتباس‌های فراوانی از ادبیات دیگر ملل یا ادبیات پیشین ایرانیان به چشم می‌خورد. در شعر این شاعر نوگرا بینامتنیت یا استناد و آثار، نام‌های تاریخی و داستان‌های دیگر شعرا به اشعار ایشان غنای خاصی بخشیده است. اما تاکنون پژوهشی درخور صورت نگرفته تا به بررسی و توصیف این موارد بینامتنی بپردازد و علل استفاده از این کنایات، ضرب‌المثل‌ها، اقتباس‌ها، و یا الفاظ اجتماعی و عرفی را واکاوی کند. از این رو، در پژوهش حاضر محقق بر آن است تا به بررسی این عناصر در دیوان ایرج میرزا بپردازد و علت استناد و استمداد ایشان از این میراث مردمی و تاریخی بپردازد.

### بینامتنیت و اقتباس ادبی:

مفاهیم متعددی مانند تلمیح، اقتباس، تضمین و بینامتنیت هم‌پوشانی دارند. اما بینامتنیت مفهومی گسترده‌تر است که به بیان ساده عبارت است از رابطه یک متن با متون پیشین و اینکه هیچ متنی در خلا به وجود نمی‌آید، بلکه از نظر مفاهیم و واژگان از متون دیگری عاریت می‌گیرد (کریستوا ۱۳۸۱: ۴۴). باختین بر این باور است که هر متنی متأثر از متون دیگر است و صرفاً در ارتباط با متون دیگر به وجود می‌آید و چون متن هیچ‌گاه خودبسنده نیست باید در ارتباط با متون دیگر تحلیل و بررسی شود. از نظر عزام بینامتنیت "ترکیبی کاشی کاری شده از اقتباسات می‌باشد و هر متنی فراخوانی و تبدیلی از دیگر متون است" (عزام، ۲۰۰۱: ۳۶). از نظر رولان بارت (۲۰۱۰) هم هر متن جدید بافتی است که تار و پود آن از نقل قول‌ها و بیانات پیشین

تنیده شده است. از نظر ژرار ژنت (۱۹۹۷) بینامتنیت به حضور همزمان و موثر دو متن اطلاق می‌شود و در متون به صورت نقل قول، تلمیح کنایات و یا حتی سرقت ادبی بیان می‌شود.

از نظر ژنت بینامتنیت بر سه نوع است: صریح، غیرصریح و ضمنی. در نوع صریح یک متن به طور آشکار در متن دیگر بیان شده و یا تضمین و تلمیح می‌شود. در نوع غیرصریح ممکن است مفهوم به صورت مستتر در یک متن وجود داشته باشد. در نوع ضمنی نیز نویسنده یا شاعر سرنخ‌هایی در متن می‌دهد تا بتوان بینامتن یا متن اصلی را شناخت (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۱۳۵). ایرج میرزا شاعر معاصر ایران دارای اشعاری با مضامین قرآنی، عربی و حتی غربی است که گاهی به دلیل مستتر بودن بینامتنیت از شما خواننده غافل بماند. از این رو نویسنده این سطور ادعا می‌کند با نگاه ژنتی می‌توان استفاده از بینامتنیت در شعر ایرج میرزا را مشخص کرد.

در مثنوی بلند زهره و منوچهر می‌توان نمونه‌هایی از هر سه نوع بینامتنیت ژنت را مثال زد. بینامتن در این مثنوی میراث مردمی و تاریخی ادوار فرهنگی جهان است و به فراخور آشنایی ایرج میرزا با ادبیات غرب می‌توان لایه‌های این بینامتنیت را واکاوی کرد. ایرج میرزا به طور صریح موضوع داستان و پیرنگ را مشابه شعر بلند شکسپیر با عنوان ونوس و آدونیس پیش برده است، که خود اقتباسی است برگرفته از کتاب دگردیسی اوید شاعر قرن نخست میلادی (بولوف ۱۹۵۷: ۱۳). آنچه در ونوس و آدونیس شکسپیر آمده داستانی است با مضامین شهوانی، کمدی، و تراژیک با ۵۹۷ بیت که در واقع شرح عشق ونوس، الاهی عشق، به جوانی رعنا و دلیر به نام آدونیس که از وسوسه ونوس و گرفتاری در دام عشق او استنکاف می‌کند. در بیت دوم شکسپیر آدونیس را جوانی با چهره‌ای گل‌گون توصیف می‌کند عالم مهرورزی را به سخره می‌گیرد:

Rose Sheekt heid him to the chase

Hunting he loved, but love he laughed to scorn

اشاره صریح به توصیف اندام و صورت آدونیس در شعر شکسپیر در شعر ایرج میرزا نیز یافت می‌شود. ایرج میرزا در جایی او را "تازه‌تر از شاخ گل، اندام او" و "با رخ تابنده‌تر از آفتاب" سیمای نورسیده جوان را توصیف می‌کند. همچنین اشاره به ونوس الاهی عشق در اساطیر روم از مواردی است که در شعر ایرج میرزا با عنوان "آلهه عشق" چهار بار تکرار شده است: "آلهه ی عشق و خداوندِ ناز"، "آلهه ی عشق، منم در جهان"، "آلهه ی عشق بسی ناقلست" و "آلهه ی عشق، بسی زیرک است." (ایرج میرزا، ۱۳). بی‌شک زن اثری شعر ایرج میرزا همان ونوس شکسپیر و ونوس داستان اوید است.

همچنین در ابیات زیر ایرج میرزا به صراحت اسامی تاریخی‌ای را ذکر می‌کند که نشان از آشنایی شاعر با آثار این بزرگان هنر و ادبیات جهان است:

روی زمین هرچه مرا بنده اند

شاعر و نقاش و نویسنده اند

گه رافائل، گه میکل آنژ آورم

گاه هومر، گه هرودت پرورم

گاه کمال الملک آرم پدید (ایرج میرزا، ۱۳).

آوردن نام رافائل، میکل آنژ، هومر، هرودت، و کمال الملک بیانگر اقتباس از نام نویسندگان است و در ادامه به پیشه نقاش اشاره می‌کند که بیانگر اقتباس محتوایی از آثار کمال‌الملک و میکل آنژ است:

روی صنایع کنم از وی سفید

گاه، قلم در کف دشتی دهم

بر قلمش روی بهشتی دهم

در توصیف کار نقاش ایرج میرزا به شکلی غیرصریح از بینامتنیت استفاده کرده است، به طوری که رشته کلام او گسسته نشده و عبارت "روی بهشتی دهم" بیانگر کار نقاش و توصیف منظره‌ای است که به بهشت مانند شده است. همچنین اشاره شاعر در ابیات دیگر به افلاک آسمانی و سیاره مریخ به عنوان فلک پنجم، زهره به عنوان فلک اول و زمین به عنوان فلک سوم درخور توجه است و نشانه آشنایی شاعر با علوم زمان خود و محتوای شعر شکسپیر و ایضاً شعر اوید است. بومی سازی شعر شکسپیر آن را از اقتباس صرف خارج کرده و رنگ و بوی ملی به آن داده است تا جایی این کار با ظرافت هنری انجام شده است که اگر کسی با شعر شکسپیر آشنا نباشد نمی‌تواند آن را اقتباسی از یک اثر دیگر بداند. به هر روی، آوردن نام‌های مختلف در شعر زهره و منوچهر بیانگر ارتباط شاعر با دنیای پیرامون خود و ارتباط او با شعرا و نقاشان و نوازندگان دارد. این هنرهای به نوبه خود میراث ملی ایران و حتی جهان است که مانند تار و پود شعر زهره و منوچهر تجلی یافته است.

در اشارات ضمنی شعر زهره و منوچهر ایراج میرزا می‌توان به مبانی روانشناسی انسان و گرایش‌های جنسی او پی برد. برای مثال، فروید با رمزگشایی از عقده ادیپ و بیان نظرات روانشناسی خود گرایش فرزند پسر به مادر و رقابت او با پدر برای تصاحب مادر را می‌توان در شعر ایراج میرزا در نظر گرفت. در بیت "ای عجب آنکه ز زن آفرید / چون ز زن اینگونه تواند برید؟" به همین مضمون اشاره دارد و می‌توان آن را بیان ضمنی نظرات روان‌شناسانه فروید دانست چون شاعر پس از فروید زیسته است و احتمالاً با نظریات روانکاوی فروید آشنایی داشته است.

در ادامه اشارات ضمنی ایراج میرزا به آثار دیگران می‌توان از اشاره او به نقش عقل و خرد در امور زندگی اشاره کرد. می‌توان همزمانی دوران قاجار با قرن نوزدهم اروپا را دستمایه قرار داد و تقابل عقل و احساس را همان تقابل عقل و خرافات نامید. همچنان که ایراج میرزا می‌گوید "عقل و محبت به هم آویختند / خون ز سر و صورت هم ریختند" (ایرج میرزا، ۱۳) می‌توان جانب‌داری او از عقل را دریچه‌ای به جهان عصر قاجار دانست که نویسندگان و انسانهای تجددگرا در پی مبارزه با جهل و خرافات بودند. این تفکر به نوبه خود می‌تواند متأثر از گرایش علمی چارلز داروین در کتاب تنوع گونه‌ها باشد که نمونه‌ای از آثاری است که به نقش علم و عقل توجه ویژه دارد و آن را در مقابل خرافه‌پرستی علم می‌کند. همچنین در قرن نوزدهم بود که چارلز لایل (۱۷۹۷-۱۸۷۵) با نوشتن کتاب مبانی زمین‌شناسی اصول علمی و خرد را مطرح کرد و به مبارزه با خرافات پرداخت. بنابراین، اشاره به تقابل خونین عقل و محبت اشاره‌ای ضمنی و تلویحی به جریان‌های اجتماعی عصر قاجار دارد که به صورت ناخودآگاه در منظومه زهره و منوچهر نمود یافته است.

#### بینامتنیت و مضامین دینی در اشعار ایراج میرزا:

در اشعار دیگر ایراج میرزا اشارات مستقیمی به روایت‌های دینی و قرآنی می‌کند. از جمله در شعری با عنوان "حسب الامر جناب جلالت مآبِ اجلِ اکرم آقای قائم مقام مَدَظِلُّهُ الْعَالِی محضِ فرح خاطرِ مبارک حضرت اجلّ روحی فداه عرض شد" که در فقدان علی‌قلی‌خان سروده شده است و فقدان و فراق ایشان را به فراق یعقوب پیامبر از فرزندش یوسف مانند کرده است و می‌سراید که "شدم چو حضرت یعقوب مبتلایِ فراق / از آن که یوسفِ مصریّ من به زندان رفت" (ایرج میرزا، ۱۳). در این شعر علی‌قلی‌خان ظاهراً با مرگ خود قرض‌های ادا نشده‌ای به دیگران داشته است و از جهتی دوستی شاعر یا راوی شعر با او

محرز است. از این جهت فراق ایشان را با ابیاتی تمثیلی بیان شده است. این اشاره صریح شاعر به داستان تمثیلی یعقوب بیانگر بینامتنیت قرآنی در اشعار او دارد. در ادامه با ذکر حدیثی عربی "يَرْجِعُ كُلُّ شَيْءٍ إِلَى أَصْلِهِ" (همان) در شعر،

چو کُلُّ شَيْءٍ قَدْ يَرْجِعُ إِلَى أَصْلِهِ      شنیده بود سویِ اصلِ خویشتن زان رفت

علی قلی خان خوش رفت و در رکاب و عنانش      به بدرقه ز من بینوا دل و جان رفت

اشاره ای مستقیم به تفسیر امام محمد باقر از آیه ۱۷ سوره غافر دارد و می‌فرماید: "هرچیز به اصل و جوهر و مایه‌ی خود برمی‌گردد، و چون رستاخیز شود خدا، از دشمن ناصبی، منش مؤمن و مزاج و سرشت و جوهر و مایه‌ی او را با همه‌ی کارهای خوب از او می‌ستاند و آن را به مؤمن برمی‌گرداند و از مؤمن نیز، منش و مزاج و سرشت و جوهر و مایه‌ی او را با هر کار بدی کرده باشد، از او می‌ستاند و از روی عدالت به ناصبی برمی‌گرداند. و به ناصبی می‌فرماید: «بر تو ستم نشده، این کارهای بد از سرشت و مزاج توست و تو بدان‌ها سزاواری و این کارهای خوب از سرشت و مزاج مؤمن است و او بدان‌ها سزاوار است» (بحار الأنوار، ج ۴۴: ۱۰۶). با توجه به محتوای تفسیر امام باقر و شعر ایرج میرزا می‌توان چنین برداشت کرد که با فوت علی‌قلی‌خان و بدهی او به دیگران تسویه حساب ایشان در جهان آخرت با دقت انجام خواهد شد. در شعر حاضر که از یک سو به امورات دنیا می‌پردازد و از سوی دیگر امورات اخروی را پوشش می‌دهد می‌توان به دانش فراست ایرج میرزا پی برد، چرا که ذکر بینامتنیت قرآنی نشان از آشنایی عمیق ایشان با مسائل اجتماعی و علوم دینی دارد.

در شعر "در مدح اعتضاد السلطنه" نیز ایرج میرزا از اعیاد مذهبی مسلمانان یاد می‌کند و به سنت دینی و اجتماعی ماه رمضان و عید فطر اشاره می‌کند. "مقبول باد طاعت شهزاده اعتضاد / عید سعید فطر بر او فرخجسته باد" بیانگر ارادت ایرج میرزا به خاندان شاهی دارد که البته خود نیز از تبار آنها بوده و مدتی نیز شاعر دربار بوده است. در ادامه از پاکدامنی این شاهزاده قاجاری یاد می‌کند و چون ایشان را پاک‌نهاد یافته است وی را شایسته ستایش می‌داند. محتوای شعر به طور غیر صریح به حجت بودن ایشان اشاره دارد که در آیات و احادیث چنین آمده است که خداوند زمین را بدون حجت نمی‌گذارد (الکافی، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۵). اگرچه ایرج میرزا تا حدودی در ستایش‌ها و مدح درباریان زیادروی کرده است، محتوای اشعار او نشانه‌هایی بارز از تحصیلات دینی او دارد.

همچنین در شعر "شکوه از چرخ و شکایت از مرگ پدر" ایرج میرزا در بیتی چرخ گردون را اینگونه خطاب می‌کند: "گرگِ خونخوار هزاران یوسف / بلکه گرگینِ هزاران بیژن." (همان). در این بیت به دو بینامتن دیگر اشاره می‌کند که یکی به داستان

برادران یوسف و حقه آنان اشاره می‌کند که یوسف را گرگ خورده است و به این واقعیت که تاریخ شاهد هزاران داستان مشابه دیگر بوده است. از طرف دیگر به داستان گرگین و بیژن در شاهنامه اشاره می‌کند که گرگین و بیژن دو پهلوانند که به دستور پادشاه به جنگ گرازانی می‌روند که به مرز توران هجوم آورده‌اند و چون بیژن با گرگین میلاد رقابت دارد او را در نبرد با گرازان یاری نمی‌کند و از این رو به خبثت و فرصت‌طلبی شهره است. بنابراین، در شعر فوق گرچه شاعر از مرگ پدر شکوه می‌کند، چرخ گردون را خبیث و ناروا می‌شمارد. از این رو، اشارات مستقیم ایرج میرزا را در این شعر می‌توان نمونه صریحی از بینامتنیت به شمار آورد.

همچنین در اشعار دیگر ایرج میرزا اسامی افراد را در شعرش می‌آورد و یا به مدح آنها می‌پردازد. برای مثال در شعر "در مدح حضرت مولای متقیان" با القابی وزین از حضرت علی یاد می‌کند:

گفتم علی خلاصه تشکیل کاف و نون

گفتا علی نتیجه ترکیب ماء و طین

در ادامه از قهرمانی های ایشان یاد می‌کند و اشارات صریح به آیات و واحادیث شیعی برای وصف نبردهای ایشان بیان می‌کند:

گفتم به یک اشاره کند مُلکِ چین خراب

گفتا بخاصه چون که به ابرو فکند چین

در بیت بالا حضرت علی به عنوان جنگاوری معرفی شده است که حتی قادر است کشور چین را به یک اشاره تصرف کند. با بیان آرایهٔ مبالغه در این شعر می‌توان به حقیقت‌هایی درباره دلآوری‌های حضرت علی مانند نبرد با عمر بن عبدود دست یافت. ذکر این ستایش‌ها و اشاره به حقایق تاریخی به شکل مبالغه نشان از دانش و فهم دینی و تاریخی ایرج میرزا دارد.

ایرج میرزا از اشخاصی به نام عباس‌قلی‌خان، فرمانفرما، ناصرالدین شاه و غیره در شعرش یاد می‌کند و آنها را مدح می‌کند. در این اشعار به‌طور صریح از شخصیت‌های فوق یاد می‌کند. بنابراین، این نوع بینامتنیت نوعی تلمیح یا اشاره به اشخاص است آن هم اشخاص درباری یا بزرگان دین. در اشعار متاخر ایرج تنها به آزادی اجتماعی بسنده می‌کند و "آزادی را بیشتر در معنای آزادی زنان، مخالفت با حجاب آنان و رهایی از سنت‌های غلط دینی و اجتماعی می‌داند و از آزادی‌های سیاسی که ریشه در اعتقاد به حاکمیت ملی دارد سخنی نمی‌گوید" (میرعلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۵).

اشاره به حکایت‌های عامه در شعر زیر قابل تأمل است:

داشت عباس قلی خان پسری                      پسر بی ادب و بی هنری

اسم او بود علی مردان خان                      کلفت خانه ز دستش به امان

در این ابیات دیگر اثری از بینامتنیت ادبی نیست، بلکه استناد به داستانهای عامیانه و شفاهی او را بر آن داشته است تا به اقتباس از مسائل اجتماعی بپردازد. در این مثال بیامتنیت غیرصریح به چشم می‌خورد چون نام اشخاص بیان شده است و ارتباط مستقیم با اشخاص حقیقی و تاریخی در ضمن شعر نیامده است.

همچنین در وصف فرمانفرما می‌گوید:

صبح دیدم که به سورانم و فرمانفرما                      اسب با تربیت با هنری داده مرا

والی مشرق کز خدمت او بار خدای                      طبع از دریا زاینده تری داده مرا

در این ابیات نیز اشاره‌ای غیر صریح به فرمانفرما و خدمات او کرده است. از این رو برای کشف مرجع این اشارات مطالعات تاریخی مورد نیاز است تا مرجه اشارات اجتماعی ایرج میرزا را به درستی مشخص کرد. در مدح مظفر الدین شاه هم چنین می‌گوید:

ولی عهدِ ملک سلطان مُظَفَّر

خدیو شیر گیر پیل افگن

مدح و ثنای حاکم در شعر درباریان بسیار متداول بوده و می‌تواند نشان از معذور بودن شاعر درباری و ناچاری او باشد. به همین سبب می‌تواند یکی از میراث‌های مردمی عهد قاجار را ثنا و رسای قدرتمندان دانست که شاعر درباری راه گریزی از آن نداشته است، چه در اشعار متاخر ایرج میرزا اثری از رثا و ثنای کسی به چشم نمی‌خورد. همچنین در ضمن مدح مظفرالدین شاه می‌گوید:

خواندی اینکه گفت ابنِ قَلاَقِس                      اُلا سارا لَهلالُ قَصارِ بدر

که می‌تواند اشاره بیامتنیت صریحی به ایه ۵۷ سوره فرقان باشد که می‌فرماید: «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ» و مراد این است که در برابر تبلیغ دین خدا، پولی از شما نمی‌خواهم و برای دریافت چیزی چنین کاری را نمی‌کنم. و در عبارت «إِلَّا مَنْ شَاءَ» که یعنی جز این را که کسی به اختیار خود این آئین را بپذیرد و گام به سوی خدا بردارد و راه خدا در پیش گیرد و در نهایت بدین معناست که شاه پاداش خود را در هدایت مردم می‌داند آن هم از روی اراده و اختیار نه اکراه و اجبار.

از نظر سبزیان پور (۱۳۸۷) اشارات ایرج میرزا به اشعار عربی و نام شاعران عرب به دلیل علاقه شاعر به به بازتاب مفاهیم فارسی در آن اشعار بوده است که به ظن نویسنده این مقاله ذکر نامهای عربی و مدح امیران عرف یا قاجار به تناسب پیشه درباری ایرج میرزا بوده است، چون ایرج میرزا در اشعار متاخر خود مانند منظومه زهره و منوچهر بیشتر به میراث مردمی پرداخته است و افرادی را که مخاطب قرار داده یا از آنها نام برده بیشتر دانشمند و یا نویسنده بودند و کمتر به مواردی مانند مدح و ثنای اشخاص و امیران قاجاری پرداخته است.

### نتیجه‌گیری:

این مقاله سیری در اشعار ایرج میرزا و بررسی مواردی از بینامتنیت در منظومه زهره و منوچهر و همچنین مواردی از مدحیات او بود. در شعر روایی زهره و منوچهر که اقتباسی موفق از ونیس و آدونیس شکسپیر است مواردی از بینامتنیت صریح، غیرصریح و ضمنی بیان شد و استناد به میراث مردمی، نویسندگان، شعرا و نقاشان واکاوی شد. ایرج میرزا در مدحیات خود نیز به ذکر نام‌ها و اسامی عربی و قاجاری زیادی پرداخته که بیشتر این تلمیحات مدح افراد است تا استناد به میراث عامه مردم. می‌توان چنین نتیجه گرفت که ایرج میرزا در اشعار مدحی خود توجهی به میراث مردمی و یا مسائل سیاسی نداشته و دلیل آن را می‌توان خوی شاهزادگی او دانست که خاندان قاجار را حکامی بر حق می‌داند، اما در اشعار متاخر و مخصوصا در منظومه زهره و منوچهر میراث مردمی به فراوانی مورد توجه او قرار گرفته است. ایرج میرزا در اشعاری که برای مردم سروده از مسائل روزمره و ذکر دلدادگی و عشق بیشتر سخن گفته است، در حالیکه در مدحیات خود همانند یک پیشوای دینی یا روحانی به ذکر و مدحیات از بزرگان دین یا گاهی انسان‌های صالح روزگار خود پرداخته است.

منابع:

۱. آرین پور، یحیی (۱۳۵۰)، *از صبا تا نیما*، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی
۲. ایرج میرزا (۱۳۵۳)، *دیوان/شعار*، به اهتمام محمد جعفر محبوب، تهران اندیشه.
۳. جعفریان، "بحار الأنوار از زاویه نگاه دایرة المعارفی." *مشکوۃ* ۳، ۲۲: ۲۱-۵۴.
۴. رزاق پور، مرتضی؛ نوش‌آبادی، سمیه، (۱۳۹۱)، *بازتاب رئالیسم در اشعار ایرج میرزا*. مجله علمی پژوهشی زبان و ادبیات فارسی. ۳، ۳.
۵. رئیس‌یان، حکم آبادی، و حجت اله. "مستندات قرآنی روایات باب «صبر» اصول کافی." *آموزه های قرآنی* ۱۵، ۲۷ (۲۰۱۸): ۲۳۷-۲۶۸.
۶. سبزیان پور، وحید (۱۳۸۷)، مضامین شعر و ادب عربی در دیوان ایرج میرزا. فصلنامه علمی پژوهشی کاوش‌نامه ۹، ۱۷.
۷. عزام، محمد. ( ) ۲۰۰۵ *شعریۃ الخطاب السردی*، دمشق: منشورات اتحاد الکتاب العرب، الطبعة الأولى
۸. کریستوا، ژولیا. ( ) ۱۳۸۱ کلام، مکالمه و رمان، ترجمه پیام یزدان جو، تهران: نشر مرکز
۹. محبوب، محمد جعفر، (۱۳۵۳)، *تحقیق در احوال و آثار و افکار اشعار ایرج میرزا و خاندان و نیاکان او*، چاپ سوم، تهران، نشر اندیشه.
۱۰. میرعلی، عبدالله؛ خاتمی، احمد؛ نصیری سلوش، سیده‌زهره، (۱۳۹۴)، تأثیر طبقه اجتماعی بر شعر شاعران دوره مشروطه با تمرکز بر اشعار ایرج میرزا «و «فرخی یزدی، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۳۹، ۴۵-۶۷.
۱۱. یوسفی، غلامحسین. ( ) ۱۳۷۷ چشمه روشن دیدارس با شاعران . چاپ هشتم. تهران :انتشارات علمی
۱۲. Bullough, Geoffrey. *Narrative and Dramatic Sources of Shakespeare: Early Comedies, Poems, Romeo and Juliet*. Columbia University Press (1957).
۱۳. Barthes, Roland. *Roland Barthes by Roland Barthes*. Macmillan, 2010.
۱۴. Genette, G. (1997). *Paratexts: Thresholds of interpretation* (No. 20). Cambridge University Press.